



# Journal of Islamic Propagation

---

Volume 7 ● No 15 ● Spring & Summer 2026

## Educational Approaches to Engaging Adolescent Girls on the Issue of Hijab

Fatemeh Qarabaghi\*

Mohammad Hadi Qarabaghi\*\*

### Abstract

The hijab of girls and women has always been, and continues to be, a major concern for parents, educators, and educational institutions. The manner in which these individuals interact with adolescent girls plays a crucial role in achieving better outcomes. This study addresses the question of what constitutes a correct and educational approach to engaging adolescent girls on the issue of hijab, and what the appropriate model of educational interaction in this regard should be. The aim of this article is to identify effective educational methods for engaging adolescent girls on the issue of hijab and to critically examine ineffective approaches in this area. The research employs an analytical method based on rational inference derived from anthropological foundations in general, and specifically from the characteristics of adolescence and female identity. In the first section, less effective or ineffective approaches are analyzed, including humiliation, threats, punishment, encouragement without proper groundwork, purely argumentative persuasion without preparation, and dominance-based environmental pressure. The second section, grounded in anthropological principles and an understanding of adolescent developmental and emotional characteristics, introduces a set of sustainable educational methods. These include strengthening thinking ability and personality to support free and independent choice, facilitating conditions and removing barriers to the realization of innate inclinations, accepting physical and sexual developmental changes accompanied by awareness-building, enhancing rationality and meeting emotional needs related to emotional maturation, strengthening positive self-concept, fostering a coherent intellectual system to address fundamental questions, creating an emotional inclination toward hijab due to deep affective tendencies, and providing a context for responding to the desire for beauty and self-expression. The findings indicate that education regarding hijab becomes lasting and effective when, instead of relying on external control through ineffective methods, it is based on an understanding of the audience and the characteristics of adolescents, enabling them to internalize and freely choose it.

**Keywords:** Education, Hijab, Girls, Adolescents, Educational Approaches.

---

\* Level Three Seminary Student, Al-Zahra University, Qom; Researcher in the Field of Education (Corresponding Author), E-mail: tsnym4131@gmail.com.

\*\* Ph.D. in Jurisprudence and Educational Sciences, Al-Mustafa International University, E-mail: hadi.1368.99@gmail.com.

## شیوه‌های مواجهه تربیتی با دختران نوجوان در موضوع حجاب

فاطمه قراباغی\*

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی قراباغی\*\*

### چکیده

حجاب دختران و زنان همواره یکی از دغدغه‌های والدین، مربیان و مجموعه‌های تربیتی بوده و هست. نوع عملکرد این افراد در تعامل با دختران نوجوان برای رسیدن به نتیجه بهتر اهمیت بسیاری دارد. این که مواجهه صحیح و تربیتی با دختران در موضوع حجاب چیست و الگوی مواجهه تربیتی در مسأله حجاب با دختران نوجوان چگونه است مسأله این مقاله است. هدف این مقاله تبیین شیوه‌های مؤثر مواجهه تربیتی با دختران نوجوان در موضوع حجاب و نقد شیوه‌های غلط در این زمینه تدوین شده است. این پژوهش از روش تحلیلی و بهره‌گیری از استنتاجات و دلالت‌های عقلی از مقدمات انسان‌شناسی به صورت عام و ابعاد نوجوانی و دخترانه به صورت خاص بهره برده است. در بخش نخست، شیوه‌های کم‌اثر یا بی‌اثر؛ از جمله: تحقیر، تهدید، تنبیه و تشویق، استدلال بدون زمینه‌سازی و ایجاد جو و محیط غالب، تحلیل شده است. بخش دوم با تکیه بر مبانی انسان‌شناختی، شناخت ویژگی‌های رشد نوجوان و نیز شناخت مختصات روانی عاطفی دختران، مجموعه‌ای از روش‌های تربیتی پایدار را معرفی کرده است؛ روش‌هایی همچون تقویت تفکر و شخصیت در راستای تحقق انتخاب آزادانه و مستقل، تسهیل زمینه‌ها و رفع موانع مسیر تحقق انتخاب فطری، پذیرش تغییرات بلوغ جسمی و جنسی و آگاهی‌بخشی، تقویت عقلانیت و تأمین نیاز عاطفی ناظر به بلوغ عاطفی، تقویت خودپنداره مثبت، زمینه‌سازی برای ایجاد نظام فکری در پاسخ به سؤالات بنیادین، ایجاد تمایل قلبی به حجاب به جهت وجود عواطف عمیق و بسترسازی پاسخ به میل به زیبایی و خودنمایی. نتیجه مقاله نشان می‌دهد که تربیت در موضوع حجاب زمانی ماندگار و اثرگذار است که به جای کنترل از بیرون با روش‌های کم‌اثر، بر مخاطب‌شناسی و ویژگی‌های نوجوان استوار باشد تا او از درون بپذیرد و آن را انتخاب کند.

**کلیدواژه‌گان:** تربیت، حجاب، دختران، نوجوان، شیوه‌های مواجهه.

\* طلبه سطح ۳ جامعه الزهرا قم، پژوهشگر عرصه تربیت (نویسنده مسئول). tsnym4131@gmail.com

\*\* دکترای فقه و علوم تربیتی دانشگاه المصطفیٰ hadi.1368.99@gmail.com

## مقدمه و بیان مسئله

یکی از واجبات شرعی دین اسلام رعایت حجاب شرعی است که تعریف و حدود مشخصی دارد. در تربیت اسلامی، حجاب بعد بیرونی رفتار اسلامی است که رعایت و یا عدم پایبندی به آن دارای آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی است (صفایی حائری، ۱۴۰۱: ۷) و همین امر مسأله حجاب را مورد توجه قرار داده است. از طرفی در سال‌های اخیر به دلایل مختلف اقبال برخی از نوجوانان به حجاب کمتر شده است. لذا خانواده‌های متدین، معلم‌ها و مربیان دغدغه‌مند بیش‌ازپیش به دنبال روش‌هایی برای ترغیب نوجوانان به مسأله حجاب هستند. نگاه تربیتی صحیح به موضوعاتی چون حجاب به دنبال این است که تک‌تک افراد جامعه، خودشان مسیر صحیح را بشناسند و با اختیار خود مطابق آن عمل کنند. در نتیجه باید از روش‌های ریشه‌ای و ماندگار ترغیب دختران نوجوان به حجاب استقبال کرد.

مراد از تربیت در تعبیر «مواجهه تربیتی» عبارت است از: «زمینه‌سازی فرایند شناخت و احساس و عمل «عملکرد صحیح ساختار وجود انسان» با روش به‌کارگیری توان تدبیر و فکر و عقل و قلب با رفع موانع و سایر روش‌ها برای رسیدن به شناخت‌ها و قیام و رشد و سایر غایات تربیتی است.» (هادی‌زاده، ۱۴۰۲: ۳۸-۵۶) حجاب و همه رفتارهای دینی، میوه درخت ایمان هستند و شکل‌گیری یا تغییر یک رفتار، یک فرایند زمان‌بر و تدریجی است. در این مقاله سعی بر این است که روش‌های ریشه‌ای مبتنی بر ویژگی‌های مخاطب بیان شود.

## پیشینه

به جهت اهمیت موضوع حجاب، نویسندگان فراوانی دست‌به‌قلم شده و کتب و مقالات متعددی از زوایای گوناگون نوشته‌اند. اما در مورد شیوه‌های ترغیب و ترویج حجاب، اثر کمتری تولید شده است. برخی از نزدیک‌ترین آثار به مسأله این پژوهش، عبارت است از: مقاله معصومه ظهیری با عنوان «نظام اسلامی، توسعه و ترویج حجاب؛ بایدها و نبایدها» که حجاب را از دریچه سیاست نگاه کرده است و بیشتر توصیفی است؛ اما راهکار مؤثری در این مقاله مطرح نشده است. نویسندگان بی‌حجابی را عاملی برای نفوذ سیاست‌های استعماری می‌دانند و مقابله با آن را بعد از انقلاب اسلامی ایران، نیازمند وحدت نظر و عمل می‌دانند که هنوز محقق نشده است.

خدیدجه احمدی بی‌غش در مقاله «آسیب‌شناسی راه‌های ترویج فرهنگ حجاب» صرفاً در مقام نقد روش‌های اجرایی ترویج فرهنگ حجاب در قالب ابعاد آموزشی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، حکومتی به بررسی آسیب‌های موجود در راه‌های ترویج فرهنگ حجاب پرداخته است و نقش حکومت، نهادهای آموزشی و خانواده را پررنگ می‌بیند و مسئولیت‌هایی را برای هرکدام تعریف می‌کند. این مقاله با رویکرد تربیتی به موضوع پرداخته است.

کتاب «حجاب و آزادی روابط» علی صفایی حائری، با نگاه تربیتی در چهار بخش به موضوع حجاب پرداخته است. وجه تمایز مقاله حاضر نسبت به مقالات و کتب دیگر، ارائه دسته‌بندی اصولی و جامع، ارائه برخی روش‌های جدید و نقد تحلیلی روش‌های موجود با رویکرد تربیتی است. منظور از دسته‌بندی اصولی و جامعی که در این مقاله ارائه شده، در قسمت شیوه‌های مواجهه تربیتی است که به ساحت‌ها و ابعاد مختلف وجودی مخاطب توجه شده و متناسب با هرکدام روش‌هایی پیشنهاد شده است.

این پژوهش ابتدا به نقد و بررسی شش شیوه مواجهه غیر تربیتی با دختران نوجوان در موضوع حجاب (تحقیق، تهدید، تنبیه و تشویق، استدلال بدون زمینه‌سازی و جو محیط غالب) پرداخته و سپس شیوه‌های مواجهه تربیتی را ذیل سه بخش ذیل صورت‌بندی کرده است: ۱. دلالت‌های ابعاد انسان‌شناسانه؛ ۲. دلالت‌های تربیتی ویژگی‌های نوجوانی؛ ۳. دلالت‌های تربیتی ویژگی‌های دخترانه.

### شیوه‌های مواجهه غیر تربیتی با دختران نوجوان در موضوع حجاب

بسیاری از دغدغه‌مندان حوزه عفاف و حجاب، از روش‌هایی بهره می‌برند که عموماً اثر ماندگاری روی مخاطب نمی‌گذارد؛ هرچند ممکن است برخی از آن شیوه‌ها در شرایط خاصی تأثیر آنی داشته باشد. این موارد به‌عنوان ابزاری بیرون از خود فرد هستند که او را وادار به انجام کاری می‌کند بدون این که زمینه را طوری فراهم کند که فرد به‌طور آزادانه و با انتخاب خود به سمت حجاب برود. در ادامه شش مورد از این روش‌ها مرور و نقد می‌شود.

#### ۱. تحقیق

تحقیق شخصیت مخاطب از طریق شیوه‌های گوناگون - از جمله به‌کارگیری الفاظ و توصیفات تحقیق‌آمیز یا اتخاذ الگوهای رفتاری و تعاملی مبتنی بر بی‌اعتنایی و خُردانگاری - پدیده‌ای است

که در این بحث مورد توجه قرار می‌گیرد. مقصود از این نوع مواجهه، ارزیابی یا نقد رفتار فرد نیست، بلکه ناظر به تضعیف منزلت شخصیتی اوست؛ به‌گونه‌ای که حتی ممکن است فرد از منشأ این برخورد تحقیرآمیز آگاه نباشد. چنین رویکردی، به دلیل خدشه‌دار کردن احساس کرامت انسانی، پیامدهای ارتباطی و تربیتی نامطلوبی به همراه دارد. انسان به‌واسطه گرایش ذاتی به حفظ حرمت و ارزشمندی خویش، نسبت به هرگونه بی‌احترامی یا تحقیر واکنش منفی نشان می‌دهد. تجربه احساس تحقیر معمولاً به قطع یا تضعیف ارتباط با منبع آن می‌انجامد و در نتیجه، پیام و محتوای ارائه‌شده از سوی فرد تحقیرکننده فاقد اثرگذاری خواهد بود. افزون بر این، تحقیر نه تنها به اصلاح رفتار منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند اثری معکوس و حتی ضد تربیتی ایجاد کند.

به‌طورکلی، احساس کرامت نفس یا بالعکس، تجربه احساس حقارت، از عوامل انگیزشی مهم در شکل‌گیری رفتارهای انسانی به شمار می‌رود. مسئله حجاب نیز از جمله موضوعاتی است که با این سازوکار روانی ارتباط مستقیم دارد؛ زیرا در شرایطی که فرد دچار احساس حقارت شود، ممکن است برای جبران این تجربه درونی به راهبردهای جبرانی روی آورد. یکی از این راهبردها می‌تواند تمرکز افراطی بر ظاهر و جلوه‌های بیرونی باشد. در برخی موارد، این امر در میان دختران به‌صورت گرایش به آرایش‌های غلیظ یا انتخاب پوشش‌های نامتعارف بروز می‌یابد؛ رفتاری که می‌توان آن را در چارچوب سازوکارهای جبرانی مرتبط با عزت‌نفس تحلیل کرد.

## ۲. تهدید

ارعاب و تهدید یکی از روش‌هایی است که بیشتر در محیط‌های آموزشی و البته برخی از خانواده‌ها دیده می‌شود. مانند تهدید به کم‌شدن نمره، اخراج از مدرسه، منع از موارد موردعلاقه و... اگر دختری به‌خاطر ترس از عملی شدن تهدید، حجاب کاملی داشته باشد، امر عجیبی نیست اگر به‌محض برداشته‌شدن تهدید، حجابش را کنار بگذارد. تذکر به وعده‌ووعید و پاداش و عذاب‌های اخروی نیز یکی از روش‌هایی است که انجام آن نیازمند ظرافت‌های فراوانی است. مهم‌ترین نکته در استفاده از آن روش، این است که باید ایمان اولیه‌ای در فرد وجود داشته باشد تا مؤثر واقع شود. به‌علاوه این که این دو برای مواردی است که فرد از قدرت تفکر و آینده‌نگری برخوردار است. (داوودی، ۱۳۸۹: ۱۸۵)

### ۳. تنبیه و تشویق

یکی از روش‌های بسیار مرسوم برای ترغیب متری به انجام یا ترک یک فعل، تنبیه و تشویق است. این روش غالباً به دلیل تأثیر فوری آن بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. پاداش‌ها در سطح بالایی نیاز به مقبولیت و مورد توجه واقع شدن را برآورده می‌کنند؛ لذا تأثیر زیادی در تغییر رفتار دارند. تشویق و تنبیه، تلقینی است که از خارج القا می‌شود. (صفایی حائری، ۱۳۸۶: ۶۹ و ۷۰) این روش یکی از عواملی است که مختص دوران کودکی است مادامی که شناخت کودک به حدی نرسیده است که بتواند او را حرکت دهد. (صفایی حائری، ۱۳۸۶: ۷۲) و نباید از این روش در دوران بلوغ فکری استفاده کرد و بار تغییر رفتار را روی آن گذاشت مخصوصاً اگر اقصاء فکری برای مخاطب حاصل نشده باشد.

تشویق و تنبیه از جمله روش‌هایی است که باید از آن‌ها برای تحقق راهبردهای اصلی تربیت بهره گرفت. تشویق و تنبیه در حکم داروست و نباید به رویه ثابت تبدیل شود. زیرا با عادت به دخالت بیرونی، کنترل درونی از بین می‌رود. (حائری شیرازی، ۱۴۰۲: ۲۱۳) اگر متری به جهت کم‌حجابی یا بی‌حجابی تنبیه شود، بدون اینکه قبح آن را عمیقاً درک کرده باشد، ممکن است در لحظه حجابش را مراعات کند. همچنین اگر به خاطر رعایت حجاب، تشویق شود و علت اصلی پوشش کاملش، جلب نگاه تأییدآمیز اطرافیان باشد، در نگاه دینی، از عمل خوب خودش بهره کامل را نخواهد برد به جهت اینکه ارزش عمل به نیت و انگیزه فرد است که سبب رشد و کمال انسان می‌شود همان‌طور که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «الْتَّبِيَةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ (نیت اساس و پایه عمل است.)» (آمدی، ۱۳۷۸: ۵۲۳).

البته به‌طور کلی استفاده از این روش در کنار باقی روش‌های ماندگار نفی نمی‌شود. توجه به این موضوع ضروری است که مخاطب مورد نظر، نوجوان است نه کودک، و همین نکته، در بهره‌گیری از روش تنبیه و تشویق، تفاوت ایجاد می‌کند. چرا که نوجوان به بلوغ رسیده است و باید عمیق‌تر به ریشه رفتارها برسد.

### ۴. استدلال بدون زمینه‌سازی

وقتی عطشی برای شنیدن از طرف نوجوان وجود نداشته باشد، بیان بهترین و متقن‌ترین استدلال‌های ضرورت رعایت حجاب، هیچ کمکی به او نمی‌کند. زیرا ما به‌جای او فکر

کرده‌ایم! ذهن نوجوان را صرفاً ظرفی تصور کرده‌ایم که باید آن را از مطالبی پر کنیم که به گمانمان خوب است، و او فقط می‌شنود و سپس فراموش می‌کند. حتی ممکن است همان استدلال‌ها را علیه خود ما استفاده کند. حتی در برخی موارد ممکن است متربی با ما همراه شود و استدلال‌ها را بپذیرد، اما در نهایت تغییری در رفتار او رخ ندهد. به قول مرحوم صفایی مادام که سؤال‌ها طرح نشده و فکر ضربه ندیده، جواب‌ها جایگاهی نخواهند داشت و حرف‌ها گنگ خواهند ماند. (صفایی حائری، ۱۳۸۶: ۳۴۹)

#### ۵. جو و محیط غالب

اتخاذ راهبرد تربیت در محیط ایزوله و گلخانه‌ای، به گونه‌ای که امکان انتخاب آزاد را سلب می‌نماید و انسان را صرفاً در موقعیت انتخاب خیر و صحیح قرار می‌دهد، مغایر با انتخاب آگاهانه انسان بوده و در محیط اجتماعی کنونی، اساساً نشدنی محسوب می‌شود. حضور در محیط‌های کاملاً مذهبی، ثبت نام در مدارس خاص که همه یک‌شکل هستند، رفت‌وآمد با افرادی که شباهت زیادی با ما دارند و کنترل شدید همه ورودی‌های دیگر مثل رسانه‌ها، حتی اگر ممکن باشد، بیشتر آسیب‌زاست تا زمینه‌ساز رشد. چرا که بالاخره زمانی می‌رسد که امکان ادامه این روند وجود ندارد. و فرزند یا متربی ما وارد محیط‌های متضاد می‌شود و ناچار به تعامل با انسان‌های متفاوت از لحاظ فکری و پوششی می‌شود. اگر او در چنین شرایطی توان و نحوه تعامل با آن‌ها را نداشته باشد، به جای آنکه اثرگذار باشد در محیط ذوب می‌شود. جو دادن‌ها و احساسی کردن محیط برای محجبه شدن دختران از راه‌هایی نیست که ماندگاری زیادی داشته باشد. نوجوانی که به این روش‌ها عادت کرده، اگر در محیط‌هایی قرار بگیرد که مخالف این ارزش‌ها هستند و جو غالب به گونه‌ای دیگر باشد، احتمالاً همسو با محیط جدید عمل می‌کند. (کسانی که تحت تأثیر جو غالب داغ شده‌اند و متناسب با آن رفتار می‌کنند، با عوض شدن محیط سرد می‌شوند و رفتار آنها نیز تغییر می‌کند). (صفایی حائری، ۱۳۸۶: ۴۰)

#### شیوه‌های مواجهه تربیتی با توجه به ویژگی‌های مخاطب

تربیت و ایجاد تغییر، نیازمند شناخت صحیح و کامل از ابعاد وجودی مخاطب است؛ زیرا اساساً ما در تربیت متناسب با ساخت انسان عمل می‌کنیم. هر فعالیتی متناسب با موضوعش تعریف و ارزش‌گذاری می‌شود، مانند مکانیک که موضوع کارش خودرو است و یا باغبان که

روی گیاهان کار می‌کند و برای بهترین عملکرد باید شناخت کامل تری از خودرو و گیاه داشته باشند. موضوع تربیت، انسان است. مخاطب تربیت در مسأله این مقاله سه ویژگی دارد که در روند تربیت باید شناخته شود و لوازم آن مورد توجه قرار بگیرد: ۱. انسان است؛ ۲. در مرحله خاص نوجوانی است؛ ۳. دختر است. هرکدام از این سه مورد در مخاطب سبب بروز ویژگی‌هایی است که در تربیت، باید لحاظ شوند. در ادامه دلالت‌های تربیتی هر یک از ابعاد سه‌گانه فوق در مواجهه در موضوع حجاب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. دلالت‌های تربیتی ابعاد انسان‌شناسانه

انسان اولاً دارای سه بعد بینش، گرایش و کنش است. و هرکدام این‌ها روی دیگری اثرگذار است. مکانیزم تحول در انسان به این صورت است که شناخت منجر به گرایش می‌شود و گرایش، رفتار می‌سازد. پس نقطه شروع، شناخت است. برای سازندگی و تربیت باید از اعماق شروع کرد. هنگامی که می‌خواهیم رفتار و گفتار کسی را عوض کنیم، هنگامی که می‌خواهیم لباس کسی را دگرگون کنیم، باید پیش‌ازاین مرحله، عشق‌ها و علاقه‌هایش را عوض کنیم و ناچار شناخت‌هایش را و ناچار فکرهاش را. زیرا ادامه تفکر، شناخت است و ادامه شناخت، عشق و ادامه عشق، عمل. (صفایی حائری، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۴)

ثانیاً از جمله خصوصیات فطرت انسانی استقلال‌طلبی و کراهت از مداخله بیرونی و تمایل به آزادی است. انسان برای رسیدن به انتخاب آزادانه، نیازمند فراهم کردن بستر مناسب است. بر اساس این ویژگی‌های انسانی دو دلالت کلی ذیل در مواجهه تربیتی با دختران نوجوان در مسأله حجاب قابل برداشت است:

#### ۱-۱. تقویت تفکر و شخصیت در راستای انتخاب آزادانه و مستقل

خداوند متعال در آیه ۹۹ سوره یونس می‌فرماید: «اگر پروردگارت می‌خواست یقیناً همه کسانی که روی زمین‌اند، اجباراً ایمان می‌آوردند.» (خدا به پیغمبرش ﷺ می‌گوید تو حق نداری انسان‌ها را وادار به ایمان کنی؛ تو باید راه ایمان را به انسان‌ها نشان دهی و زمینه‌های محیطی ایمان پیدا کردن و آزادانه به راه ایمان گام‌نهادن را فراهم کنی.) (بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۶۸) تربیت شخص متدین نیاز به فضای (لا اکراهی) دارد تا تحمیل‌ها کنار زده شود و او آزادانه با توجه به آگاهی‌هایش انتخاب کند. استقلال‌طلبی نوجوان به قدری است که حتی اگر احساس کند کسی

قصد القای مطلبی برای اصلاحش را دارد، از او فاصله می‌گیرد. (حائری شیرازی، ۱۴۰۲: ۲۲۱-۲۱۹)

ساختار وجودی انسان مبتنی بر عناصر متضادی چون بینش و گرایش متضاد یا گرایش‌های متضاد خلق گردیده است. همین تضاد، زمینه اختیار و انتخاب آزادانه در او را فراهم ساخته است که با شناخت صحیح از وقایع و سنجش و ارزیابی، به تصمیم نهایی دست می‌یابد. «تربیت انسان نمی‌تواند مسخ، پوک کردن و غلتاندن او باشد. هرگونه تربیتی که با دست خودش تحقق نگیرد و با انتخابش همراه نباشد، در واقع مسخ کردن من و نفی کردن من حساب می‌شود.» (صفایی حائری، ۱۴۰۱: ۳۹)

مربی نباید اختیار را از مربی سلب کند؛ چون انسان با انتخاب‌هایش رشد می‌کند و اساساً این اختیار انسان است که او را مستحق عقاب یا پاداش می‌کند. توجه به قدرت انتخاب و اراده آزادانه در انسان که به پشتوانه شناخت و آگاهی و سنجش محقق شده است، اصل مسلمی از اصول تربیتی است. در نتیجه، مربی باید مقدمات و زمینه رسیدن مربی به شناخت حقایق را فراهم کرده تا مربی، انتخابی آزادانه و مبتنی بر شناخت و آگاهی داشته باشد. راهبرد منطبق بر ساختار وجودی انسان به مثابه موجودی که حق انتخاب آگاهانه میان خیر و شر را یافته است، راهبردی است که به جای سلب حق انتخاب واقعی از او، به تقویت شناخت و تعقل او منجر گردد.

در تحلیل کنش‌ها و رفتارهای انسان، به نقش مؤثر تعقل به مثابه قدرت سنجش و ارزیابی می‌رسیم و شکی در کارآمدی تقویت قوه تفکر و سنجش در موضوع این پژوهش نیست. اگر دستگاه ساخت انسان از نظام شناختی تا گرایشی و رفتاری، دچار آفت نشود، به انتخابی آگاهانه و آزادانه منتهی می‌گردد. اما یکی از موانع رفتاری نسبت به بروز اعتقادات، نداشتن هویت مستقل و شخصیت قوی است تا در مقابل هجمه‌ها و ملامت‌های بیرونی ایستادگی کند. مربی و والدین باید دختر نوجوان را شخص مستقلی بدانند و فرصت ابراز نظر و مخالفت به او بدهند. باید کمک کرد تا او توانمندی‌ها و ارزش‌های خودش را باور کند و فرد وابسته و منفعلی نباشد. دختری که احساس شخصیت و عزت نفس داشته باشد، از دیگران تقلید نمی‌کند و حتی اگر همه اطرافیان و دوستانش حجاب مناسبی نداشته باشند، او کسر شأن خود می‌داند که شبیه دیگران شود و حتماً با سنجش و ارزیابی تصمیم می‌گیرد؛ زیرا هویت مستقل درون او باعث می‌شود آزادانه انتخاب کند نه اینکه تحت تأثیر جو و محیط پیرامون قرار گیرد.

## ۱-۲. تسهیل زمینه‌ها و رفع موانع مسیر تحقق انتخاب فطری

انسان با فطرت الهی پا به عرصه وجود می‌نهد. فطرت به معنای سرشت و نحوه خاصی از آفرینش و خلقت است. انسان دارای فطرت بالمعنی الأعم است که مشتمل بر فطرت ملک‌ی (ساخت طبیعی و غریزی) و ملکوتی (ساخت خاص مؤثر در ناحیه معرفت و گرایش) است. بر پایه ساخت ویژه انسان، اموری از سنخ بینش و گرایش در او قرار داده شده است. (قراباغی، خورسند، بی تا: ۹۱) دین اسلام متناسب با فطرت انسان و با ساختار او سازگار است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷۸) اگر انسان در شرایط عادی قرار بگیرد و در محیطی به دور از تبلیغات مسموم و فشارهای بیرونی باشد، بر اساس ساختار وجودی‌اش، تمایل و کشش به سمت پوشش و رعایت حیا در رفتار و گفتار دارد. اما متأسفانه امروزه جو غالب در برخی محیط‌های واقعی و فضای مجازی کاملاً خلاف مطلوب است و نوجوانی که خصوصاً پایه‌های اعتقادی او هنوز استوار نگشته و شخصیت محکمی برای حرکت برخلاف جریان آب ندارد، بسیار در معرض تزلزل است. حالات و اعمال آدمی در بستر شرایط و موقعیت‌ها می‌روید و از آن‌ها ارتزاق می‌کند. مقوله حیا در فطرتی که آن را داراست، باید با تربیت، تثبیت و سپس بالفعل و هویدا شود؛ به طوری که رفتارهای مأخوذه حیا از او صادر شود. (هادیان رسانی، ۱۳۹۶)

انتخاب و تنظیم مناسب زمینه‌ها و شرایط، به مثابه عامل تسهیل‌کننده‌ای است که امکان شکل‌گیری‌های مطلوب را بالا می‌برد؛ لذا باید شرایط تسهیل‌کننده حالات و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب را به نحو مقتضی دگرگون کرد. پس ابتدا باید شرایط اولیه احتمال بروز رفتارهای مطلوب را فراهم و سپس از شرایط زمینه‌ساز احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب جلوگیری کرد. (باقری، ۱۳۸۵: ۱۳۵-۱۳۶)

یکی از محیط‌هایی که امروزه روی نوجوانان سهم زیادی از اثرگذاری را دارد، فضای مجازی و خصوصاً برخی برنامه‌هایی است که در آن هیچ حد و مرزی رعایت نمی‌شود. طبق پژوهش‌ها، میان استفاده از فضای مجازی و میزان پایبندی به مسائل دینی، رابطه معناداری وجود دارد. (ذبیحی، ۱۳۹۳) اثرات سوء این فضا از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است که به دو مورد اشاره می‌شود:

اول اینکه دیدن عکس چهره‌ها با فیلتر، انواع آرایش و عمل‌های زیبایی، اعتمادبه‌نفس را از دختران سلب می‌کند و نسبت به ظاهر خودشان حس ناخشنودی می‌یابند. دیگر اینکه حضور

در فضاهایی که هیچ حریمی در گفتار و رفتار و پوشش مراعات نمی‌شود، موجب عادی‌سازی این مدل زندگی می‌شود، قبضش شکسته می‌شود و به مرور مثبت تلقی می‌گردد. طبیعتاً مدیریت این فضا به لحاظ زمان مصرفی و محتوای مصرفی بسیار اهمیت دارد که در بهترین حالت قبل از گرفتار شدن نوجوان به مصرف ناصحیح، و با انتخاب خود او باید این محدودیت‌ها اعمال شود. برای تغییر رفتار، شروع کردن از خود رفتار عموماً ماندگاری ندارد؛ بلکه باید سراغ عقبه آن رفت. همان‌طور که گفته شد، شناخت انسان، منجر به گرایش او و گرایشش منجر به رفتارش می‌شود. برای ترغیب دختران به حیا و رعایت حجاب، می‌توان گرایش‌های مثبت دیگر را تقویت کرد تا موفقیت بیشتری حاصل شود. فراهم کردن شرایطی برای ارتباط مستمر با حضرات اهل بیت علیهم‌السلام یکی از مصادیق مهم زمینه‌سازی برای گسترش فرهنگ حیا است. ایجاد فضای انس با اهل بیت علیهم‌السلام اثرات مثبت زیادی دارد از جمله جنبه الگوگیری از ایشان، تجربه حس ناب معنویت در این محافل نورانی، ایجاد ارتباط با افراد مقید و متدین و... خصوصاً اگر تداوم داشته باشد. در قالب‌های مختلف می‌توان از این فرصت بهره برد مثل زیارت، هیئت‌های هفتگی یا ماهیانه و یا برگزاری جلسات شعرخوانی آیینی.

به‌طورکلی می‌توان گفت که رعایت حیا و پوشش مطابق فطرت انسان است و مربی با توجه به این ویژگی باید زمینه‌های بروز آن را فراهم کند؛ مانند حضور در جمع‌های متدینین و هیئت‌ها. و از طرفی تا حد امکان موانع را از میان بردارد؛ مانند استفاده بدون قاعده از فضای مجازی.

## ۲. دلالت‌های تربیتی ویژگی‌های نوجوانانه

نوجوانی برهه‌ای از زندگی انسان است که دارای حساسیت و اهمیت خاصی است و دوره گذار از کودکی به بزرگسالی است. تغییراتی که نوجوان در این دوران تجربه می‌کند بسیار سریع، عمیق و متنوع است. اگر مربی و والدین نسبت به این تغییرات آگاهی نداشته باشند، نمی‌توانند نوجوان را درک کنند. طبیعتاً در تعامل با او روش‌هایی مؤثر خواهد بود که مبتنی و متناسب با این ویژگی‌ها باشد. در این بخش به برخی از تغییراتی که مرتبط با موضوع مقاله هست و دلالت‌های خاصی در مسأله دارد اشاره می‌شود.

### ۲-۱. پذیرش تغییرات بلوغ جسمی و جنسی و آگاهی بخشی

بلوغ دارای مراحل است که عموماً اولین آن بلوغ جسمی است که منجر به تغییراتی در بدن و فیزیک نوجوان می‌شود. ترشح هورمون‌ها سبب رشد اندام‌های جنسی، تغییرات ظاهری و تغییراتی در روحیات فرد می‌شود. میل جنسی در نوجوان سبب می‌شود او برای رفع نیاز اقداماتی انجام دهد. در دختران معمولاً شروع ارتباط‌گیری با جنس مخالف با کاهش حیا در گفتار، رفتار و پوشش همراه است. این تغییرات جسمی در ظاهر نوجوان ممکن است سبب احساس نارضایتی او از خودش شود و برای جبران آن به استفاده بی‌رویه از لوازم آرایشی رو بیاورد و یا پوشش‌های خاصی را انتخاب کند.

نکته مهم این است که اولاً والدین و اطرافیان، نوجوان را درک کنند که او دیگر کودک نیست، نیازهای جدیدی دارد که باید به آن‌ها توجه کرده و راه پاسخ صحیح به آن‌ها را فراهم کنند. این پذیرش سبب می‌شود که هم والدین و هم نوجوان آرامش پیدا کنند و از تنش میان آن‌ها کاسته می‌شود. این کاهش تنش مقدمه اصلاح رابطه است که از اولین گام‌های تربیتی است. از طرفی در گفتگوهایی در محیطی آرام، به نوجوان گفته شود که این تغییرات و امیال را به‌عنوان یک امر طبیعی بپذیرد تا بتواند مواجهه معقولی داشته باشد. همچنین توجه به تفاوت‌های نگاه پسران و دختران از جمله نکاتی است که باید در رابطه با آن با نوجوان گفتگو کرد. چرا که گاهی دختران غفلت دارند از اینکه پوشش آن‌ها چه پیامی برای جنس مخالف دارد.

### ۲-۲. تقویت عقلانیت و تأمین نیاز عاطفی ناظر به بلوغ عاطفی

عواطف عمیق انسانی را با قدرت تعقل می‌توان مدیریت کرد. با توجه به اینکه عواطف و احساسات در این دوران بسیار عمیق، پیچیده و بی‌ثبات می‌شود، مهم‌ترین چالش در این موضوع، کم‌رنگ بودن عامل کنترل‌کننده یعنی عقل است. این ویژگی در نوجوان سبب می‌شود که بسیاری از رفتارهایش از روی احساسات باشد. لذا نباید نگران برخی اشتباهات او شد و او را از دست‌رفته دید؛ بلکه باید نگاه معتدل و واقع‌بینانه‌ای به موضوع داشت. گرایش‌های افراطی در این دوران به اشخاص و گروه‌های مختلف و تقلید از رفتارها و پوشش‌ها، به جهت تشدید عواطف در نوجوانی و نبود کنترل‌گری قوام‌یافته عقلانی رخ می‌دهد. اصلی‌ترین راهکار ناظر به این تغییر، تقویت عقلانیت و قدرت سنجش در نوجوان است. در بهترین حالت، این کار باید از دوران کودکی آغاز شود و در نوجوانی تقویت شود.

در این دوران شاید بیش از هر زمان دیگر نوجوان نیازمند ابراز و دریافت محبت است؛ ولی با توجه به تفاوت شخصیت افراد، زبان محبت دختر نوجوان خود را باید پیدا کنیم. یکی از عوامل مؤثر در عقیفانه رفتارکردن دختران، وجود یک رابطه صمیمی با پدر است. کیفیت رابطه پدر و دختر باعث تقویت یک پیوند محافظتی می‌شود. خصوصاً دختران به جهت عاطفی که دارند، به ارتباط نزدیک و سرشار از محبت پدران خود نیازمندند. بسیاری از بدحجابی‌های امروز جامعه به علت وجود بحران‌های ارتباطی میان دختران و پدران است. (حاجی‌هاشم، پاک‌سرشت و اسماعیلی، ۱۴۰۳) مجموعه‌های تربیتی و مربیان نیز باید از فرصت‌ها استفاده کنند تا به خانواده‌ها آموزش دهند و اهمیت و چگونگی ارتباط درست و صمیمی را متذکر شوند.

دختران در صورت تأمین نیازهای عاطفی از طرف خانواده، به دنبال جلب محبت از طرف دیگران نخواهند بود. علاوه بر این ایجاد رابطه محبت‌آمیز سبب می‌شود که نوجوان شنونده بهتری باشد و راحت‌تر حرف حق را بپذیرد. همچنین اگر نوجوان به مربی یا والدین خودش علاقه‌مند باشد، نقش الگویی آن‌ها پررنگ‌تر می‌شود، در نتیجه رفتار و پوشش عقیفانه آنها بسیار روی نوجوان مؤثر خواهد بود. پژوهش‌های بسیاری اثربخشی الگوپذیری والدین را در تربیت فرزند تأیید کرده‌اند. (حاجی‌هاشم، پاک‌سرشت و اسماعیلی، ۱۴۰۳)

### ۲-۳. توجه به بلوغ ادراکی

تعقل در دوره نوجوانی به بلوغ می‌رسد و نوجوان برای استقلال خود تلاش می‌کند و به دنبال هویت خود است. در این قسمت به دو مورد از علائم بلوغ ادراکی پرداخته می‌شود که بر اساس این ویژگی نوجوان، روش‌های مؤثر برای محجبه شدن دختران بیان می‌شود.

#### • تقویت خودپنداره مثبت

در دوران نوجوانی، ذهن انسان توانمندی‌هایی پیدا می‌کند که تا قبل از آن نداشته است. از علائم و آثار بلوغ ادراکی، خودآگاهی است. هر انسانی تصویری از خود دارد که به آن «خودپنداره» می‌گویند؛ یعنی مجموعه‌ای از شناخت‌ها و احساسات نسبت به خود و اجزای شخصیت خویش. کسانی که دارای خودپنداره ارزشمند، متعالی و باکرامت هستند، خود را دارای ارزش ذاتی می‌دانند. یکی از عوامل ایجاد عزت‌نفس و خودپنداره مثبت، بازخورد مثبت اطرافیان است. (فهرود فر، محمدی، ۱۳۸۷، ۱۷۹ و ۱۸۰) مربی باید به نوجوان کمک کند تا او توانایی‌ها و نقاط مثبت

خود را ببیند و شیوه تعامل مربی با نوجوان همراه با کرامت و احترام باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «آن که دارای کرامت نفس است، امیالش برای او پست خواهد شد.» (شریف رضی، ۱۴۰۷: ۵۵۵)

دختری که شخصیت خود را ارزشمند بداند، حاضر نیست با ظاهر نامناسب و پوشش های نامتعارف در جامعه حضور یابد، بلکه جنبه های متعالی شخصیت و توانایی های خود را به منصفه ظهور می رساند و اساساً نیازی نمی بیند که برای دیده شدن روی ظاهر خود متمرکز شود. حتی اگر نوجوان توانمندی خاصی ندارد، می توان مهارت هایی را به او آموزش داد تا بتواند هویت خود را با آن بشناساند.

#### • زمینه سازی برای ایجاد نظام فکری در پاسخ به سؤالات بنیادین

یکی دیگر از آثار و علائم بلوغ ادراکی، درک اهمیت مفهوم «خود» در ذهن نوجوان است که نتیجه آن به وجود آمدن سؤالات اساسی در ذهن اوست. در واقع او به دنبال کشف روابط بین خود با خالق جهان، نظام آفرینش، مبدأ و معاد است. پاسخ به سؤالات بنیادین موجب ایجاد نظام فکری می شود و نهایتاً منجر به شکل گیری یک نظام ارزشی خواهد شد. این نظام ارزشی مبنای تصمیم گیری ها و انتخاب ها خواهد شد.

به قول علی صفایی قبل از اینکه لباس را عوض کنیم باید فکر را عوض کنیم. (صفایی حائری، ۱۴۰۱: ۴۲) و همو چنین می گوید: (انسان هنگامی انسان است که با تمام وجودش حرکت کند و با انتخاب خویش گام بردارد. برای این انتخاب ناچار است شناخت هایی به دست آورد. همین نیاز و همین ضرورت است که انسان را به شناسایی خویش و هستی می خواند). (صفایی حائری، ۱۳۸۶: ۱۳۱)

طبق تجربه مربیان، شناختی که خود فرد به آن رسیده باشد، نسبت به شناختی که از بیرون به او تزریق و تحمیل شده باشد در تغییر گرایش و در پی آن تغییر رفتار مؤثرتر است. پس باید مربی به جای سخنرانی کردن، کمک کند به مربی که بفهمد. بهترین روش برای رساندن مربی به شناخت، طرح سؤال است؛ ایجاد سؤال همراه با فراهم نمودن بستر مناسب برای تفکر. مربی باید بتواند در صحنه های زندگی به تناسب موقعیت ها، سؤالاتی مطرح کند که مربی را به فکر وادارد تا خودش به شناخت برسد.

مثلاً کشف رابطه رعایت حریم محرم و نامحرم و پوشش مناسب با استحکام روابط زوجین

در خانواده یکی از مسأله‌هایی است که در متن زندگی، فرصت گفتگو در مورد آن فراهم می‌شود. یکی دیگر از فرصت‌های گفتگو، هنگام تماشای یک فیلم یا سریال است؛ همچنین مربی می‌تواند خودش زمینه‌سازی کند و موقعیتی را طراحی کند. این نمونه‌ها دست‌مایه شروع جریان تفکر هستند و تا تعمیق سؤالات و رسیدن آن‌ها به سؤالات بنیادی و ریشه‌ای گفتگو را ادامه داد. به دلایل مختلفی ممکن است موانعی برای ایجاد سؤال در ذهن نوجوان وجود داشته باشد که مربی باید تلاش کند آن موانع را رفع کند و زمینه‌های تفکر را فراهم نماید؛ زمینه‌هایی چون ایجاد فراغت و آرامش ذهنی، استقبال از سؤالات او و تعمیق سؤالاتش، تحریک کنجکاوی در او و ساده عبور نکردن از کنار وقایع و حوادث، به جای او فکر نکردن و زود پاسخ ندادن و... .

بعد از ایجاد سؤال و درگیر شدن فکر نوجوان، مربی نباید پاسخ‌ها را سریع بدهد؛ بلکه با ایجاد سؤالاتی کمک می‌کند تا خودش بیندیشد، کشف کند و به نتیجه برسد. قطعاً وقتی نوجوان خودش با تأمل و تفکر به نتیجه‌ای برسد، ماندگاری بیشتری خواهد داشت. در این مرحله، شکل‌گیری یک نظام فکری و اندیشه‌ای اهمیت دارد. یعنی اینکه نوجوان خودش را بشناسد. نسبت به قابلیت‌ها، توانایی‌ها و ظرفیت‌های وجودی خودش آگاهی یابد. جایگاه و نقش خود را در هستی بفهمد. رابطه خودش را با خالق کشف کند و هستی و انتهای جهان را بشناسد.

زمانی که دختران نوجوان این مسیر را طی کنند و بدانند که چه ظرفیت عظیمی در وجودشان نهاده شده و چه مسیر طولانی در پیش دارند، صرف‌کردن زمان زیاد جلوی آینه را باخت خود می‌بینند و پیروی از مُد و صرف‌کردن تمام هم‌وغم خود برای زیبا به چشم آمدن را چیزی جز خسارت نمی‌بینند. (وقتی یافتم چه کسی هستم و کجا هستم و فهمیدم خَلق کیست و به کجا باید حرکت کرد، دیگر نمی‌توانم سنگ راه باشم. دیگر به این استعمار و استثمار و جلب‌کردن نمی‌توانم مشغول باشم؛ بلکه باید به‌گونه‌ای حرکت کنم که در این راه، گردی بر دلی ننشیند. باید به‌گونه‌ای راه بروم که کسی متوجه من نشود. وگرنه فرعون هستم که دلی را بر خودم بستم و از نشاط و رشد خود جلوگیری کردم.) (صفایی حائری، ۱۴۰۱: ۳۵)

### ۳. دلالت‌های تربیتی ویژگی‌های دخترانه

یکی دیگر از ابعاد وجودی مخاطب ما، دختر بودن اوست که همین موضوع ایجاب می‌کند در ارتباط با او به ظرافت‌هایی توجه شود. اساساً جنسیت سبب می‌شود انسان، روحیات و

ویژگی‌های خاصی داشته باشد که رفتار متناسب با آن ویژگی مخاطب، اثرگذارتر خواهد بود. از جمله این ویژگی‌ها که در موضوع حجاب مؤثر است، وجود عواطف و احساسات عمیق و میل به زیبایی و خودنمایی است.

### ۳-۱. ایجاد تمایل قلبی به حجاب به جهت وجود عواطف عمیق

دختران نسبت به پسران از عواطف عمیق‌تری برخوردار هستند. برای اثرگذاری بیشتر روی مخاطب، باید به همه ابعاد وجودی او توجه شود و نیازهایش تأمین گردد. هرچند اولویت این است که نوجوان اهل تفکر شود و خودش به نتایج درست برسد، اما اقداماتی که موجب تمایل قلبی و ایجاد حس خوب به حجاب بشود نیز اهمیت زیادی دارد. در شروع کار باید رفتارهای خوب او و همچنین حجاب ناقصش نیز دیده شود و همان‌ها مورد ستایش قرار گیرد. این دیده‌شدن حس خوبی به او می‌دهد و این کار نوعی تشویق مؤثر است. این کار یعنی پذیرش کار خیر آسان و کوچک فرزند مصداق یاری والدین بر خوبی فرزندشان است که در کلام نبی اکرم صلی الله علیه و آله مورد رحمت خدا قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ص ۵۰).

توجه به قانون هم‌نشینی در تثبیت موضوعی در ناخودآگاه مخاطب اهمیت ویژه‌ای دارد. بر اساس قانون هم‌نشینی، مشاهده مکرر الگوهای موفق و مثبت در کنار یک رفتار خاص مثل حجاب، می‌تواند موجب انتقال بار هیجانی مثبت به آن رفتار شود. به همین جهت تعامل با دختران و زنان محجبه‌ای که دارای اخلاق خوش و شخصیت ممتازی هستند، نقش بسزایی دارد. از طرفی تعامل و گفتگو و تذکر به دختران باید به نحوی باشد که لطافت روحی آن‌ها لحاظ شود. همچنین لازم است خیلی از اوقات از برخی خطاهای او تغافل و چشم‌پوشی شود.

یکی از ویژگی‌های مهم در دختران، گرایش به مهربانی است. می‌توان از این گرایش فعال، برای تعریف حجاب از زاویه‌ای دیگر استفاده کرد؛ اینکه حجاب در واقع نوعی مهربانی‌کردن به زنان دیگر است. چراکه با رعایت پوشش عفیفانه، دختران و زنان دیگر را در یک رقابت بی‌انتهای بی‌حاصل برای جلب توجه و زیبایی بیشتر قرار نمی‌دهد. همچنین آرامش را از زنان و مردان جامعه سلب نمی‌کند. وقتی این نکات در فضای عاطفی دختران مطرح شود، او درک بهتری از موضوع خواهد داشت.

### ۲-۳. بسترسازی پاسخ به میل به زیبایی و خودنمایی

یکی از نیازهای بنیادین در دوره نوجوانی، به‌ویژه در دختران، میل به خودنمایی و دیده‌شدن است. شایسته است این نیاز که ریشه در فرایند شکل‌گیری هویت و تقویت عزت‌نفس دارد، نادیده گرفته نشود و بستر مناسبی برای پاسخ‌گویی صحیح به آن فراهم آید. در گام نخست، لازم است احساس و نیاز دختر پذیرفته و محترم شمرده شود؛ سپس در چارچوبی معقول و هدفمند، امکان رضای سالم آن فراهم گردد. نقش پدر در این زمینه بسیار کلیدی است، به‌ویژه زمانی که جایگاه و اقتدار او در خانواده توسط مادر تثبیت شده باشد. ابراز تحسین و توجه پدر نسبت به ظاهر، پوشش و ویژگی‌های مثبت دختر، در شکل‌گیری احساس ارزشمندی نقش مهمی دارد. ازسوی دیگر، مادر نیز می‌تواند با صرف زمان باکیفیت برای همراهی با دختر در محیط‌های زنانه مانند پارک‌ها، کافه‌ها یا گردهمایی‌های اختصاصی بانوان، زمینه ابراز طبیعی و امن این تمایل را فراهم آورد. علاوه بر آن، توجه به زیبایی دوستی طبیعی دختران از طریق فراهم کردن ابزارهای زیبایی و پوشش متناسب با حجاب اسلامی، سبب می‌شود این ویژگی در مسیر درستی هدایت شود.

در نهایت، با ایجاد فرصت‌هایی برای بروز توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی، می‌توان میل به خودنمایی را به خود ابرازی سازنده و رشد شخصی تبدیل کرد. حتی در صورتی که دختر هنوز مهارت ویژه‌ای ندارد، فراهم کردن امکان فراگیری هنرها و مهارت‌های موردعلاقه‌اش می‌تواند مسیر شکوفایی و اعتمادبه‌نفس او را هموار کند. اما نکته‌ای که باید در این قسمت لحاظ شود این است که به‌مرور این حس و میل به دیده‌شدن را مربی باید جهت‌دهی کند. در واقع مربی تعریف زیبایی را روی شخصیت انسان، نوع تفکر و منش او ببرد. این هدف با نشان دادن شخصیت‌های برجسته‌ای حاصل می‌شود که حتی ممکن است طبق تعاریف روز، ظاهر فوق‌العاده‌ای نداشته باشند؛ اما زیبایی فوق‌العاده‌ای در اندیشه و شخصیتشان دارند.

در پایان بخش دوم مقاله، لازم است شیوه‌های مواجهه تربیتی به اختصار مرور شوند:

#### ۱. گام‌های الگوی مواجهه بر اساس نگاه انسان‌شناسانه

تمرکز بر بحث شناخت، آزادی دادن برای انتخاب‌های نوجوان مطابق آگاهی‌های او، فراهم ساختن مقدمات رسیدن به شناخت، تقویت تفکر، تقویت شخصیت، تسهیل زمینه‌های بروز حیا و حجاب و رفع موانع.

## ۲. گام‌های الگوی مواجهه طبق ویژگی‌های نوجوان

اصلاح رابطه با پذیرش اقتضانات دوران نوجوانی، آگاهی دادن به نوجوان در مورد تغییرات این دوران و شناخت‌هایی پیرامون جنس مخالف و برداشتشان از پوشش دختران، تقویت عقلانیت، توجه به نقش الگویی، تأمین نیازهای عاطفی خصوصاً از طرف پدر خانواده، تقویت خودپنداره مثبت، رفع موانع ایجاد سؤال و ایجاد نظام فکری.

## ۳. گام‌های الگوی مواجهه با توجه به ویژگی‌های دخترانه

توجه و تشویق عملکردهای مثبت نوجوان، هم‌نشینی و تعامل با زنان محجبه موفق، رعایت لطافت روحی دختران در گفتگو و ارتباط با ایشان، تعافل نسبت به خطاها، توجه و تحسین ظاهر او، حضور در محیط‌های اختصاصی بانوان و جهت‌دهی میل به خودنمایی.

برآیند این راهکارها نشان می‌دهد که مواجهه تربیتی مطلوب، بر تقدم شناخت بر الزام، انتخاب آگاهانه، رابطه‌محوری، تقویت درونی شخصیت، الگودهی، پاسخ به نیازهای عاطفی و هویتی و بسترسازی اجتماعی استوار است. از این رو، مسئله تربیت را نمی‌توان صرفاً به سطح توصیه‌های فردی فروکاست، بلکه باید آن را در نسبت با سیاست‌گذاری تربیتی نیز فهم کرد. سیاست تربیتی برآمده از این الگو، به جای تأکید انحصاری بر کنترل بیرونی، بر اقتناع، آموزش، محیط‌سازی، حمایت از خانواده، توانمندسازی مدرسه و طراحی برنامه‌های متناسب با ویژگی‌های نوجوانان و به‌ویژه دختران تأکید می‌کند.

نکته تکمیلی این که دختران از جهت ظرفیت فکری، شخصیتی، فرهنگی، خانوادگی و... متفاوت هستند؛ در نتیجه اجرایی شدن این روش‌ها به تناسب تفاوت‌ها ممکن است تغییر کند. به طور مثال برای کسی که از لحاظ فکری هنوز به اندازه کافی رشد نکرده و فاقد قدرت تحلیل مطلوب است بیشتر باید از راهکارهای غیر فکری بهره برده شود؛ راهکارهایی مثل اثرپذیری از الگوها و پس از فراهم شدن زمینه‌ها به مرور تفکر و تعقل او باید تقویت شود. همچنین نوجوانی که از ظرفیت فکری خوبی بهره‌مند است، می‌توان به صورت عمیق روی شناخت‌های او متمرکز شد. اگر نوجوانی موانع زیادی در مسیرش وجود دارد، به طور مثال غرق در استفاده از فضای مجازی است، باید در گام اول به او کمک شود که موانع را از سر راه بردارد و پس از آن از روش‌های متناسب دیگر استفاده شود.

## نتیجه‌گیری

بررسی شیوه‌های مواجهه تربیتی با دختران نوجوان در موضوع حجاب نشان داد که اساس بسیاری از ناکامی‌ها در این عرصه، ناشی از برداشت‌های نادرست از ابعاد وجودی انسان و عملکرد او، ماهیت نوجوانی و نیازهای ویژه دختران است. تحلیل قسمت نخست آشکار کرد که رویکردهای مبتنی بر تحقیر، تهدید، تنبیه و تشویق، استدلال بدون زمینه‌سازی و ایجاد جو و محیط غالب؛ تقلیل حجاب به یک دستور رفتاری است و نه تنها به شکل‌گیری باور درونی منجر نمی‌شود، بلکه موجب مقاومت و زدگی متربی می‌گردد.

در مقابل، نتایج بخش دوم نشان داد که رویکردهای تربیتی مؤثر، بر بنیان شناخت ابعاد وجودی انسان، ویژگی‌های رشدی نوجوان و مختصات روانی عاطفی دختران استوار است. روش‌هایی چون تقویت تفکر و شخصیت در راستای انتخاب آزادانه و مستقل، تسهیل زمینه‌ها و رفع موانع مسیر تحقق انتخاب فطری، پذیرش تغییرات بلوغ جسمی و جنسی و آگاهی‌بخشی، تقویت عقلانیت و تأمین نیاز عاطفی ناظر به بلوغ عاطفی، تقویت خودپنداره مثبت، زمینه‌سازی برای ایجاد نظام فکری در پاسخ به سؤالات بنیادین، ایجاد تمایل قلبی به حجاب به جهت وجود عواطف عمیق و بسترسازی پاسخ به میل به زیبایی و خودنمایی؛ بستر لازم برای شکل‌گیری باور، علاقه‌مندی و رفتار پایدار را فراهم می‌کند.

در نهایت این پژوهش تأکید می‌کند که تربیت در موضوع حجاب، نه در کنترل‌گری رفتار از بیرون، بلکه در دیدن ویژگی‌ها، نیازهای نوجوان، پذیرش او و تلاش برای پاسخ‌دهی صحیح به آن و کمک به نوجوان برای فهم ارزش‌ها، تجربه کرامت و رسیدن به انتخابی درونی‌شده تحقق می‌یابد. چنین مواجهه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز ماندگاری رفتار دینی باشد.

## کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۳۸۷ش). تحف العقول. مترجم: حسن زاده، صادق. قم: بی‌نا.
۲. آمدی، عبدالواحد. (۱۳۷۸ش). غرر الحکم و درر الکلم. مترجم: رسولی، هاشم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳. باقری، خسرو. (۱۳۸۵ش). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
۴. بهشتی، محمد. (۱۳۹۰ش). نقش آزادی در تربیت کودکان. تهران: روزنه.
۵. حاجی هاشم، فاطمه؛ پاکسرشت، الهه؛ اسماعیلی، آزاده (۱۴۰۳). نقش مؤثر والدینی در پیوست نوجوانان دختر به حجاب اسلامی. نشریه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، (۸)، ۳۸-۱۱.
۶. حائری شیرازی، محی‌الدین. (۱۴۰۲ش). راه رشد. جلد ۱. قم: دفتر نشر معارف.
۷. حسینی، مجتبی. (۱۳۸۴). رساله دانشجویی. قم: دفتر نشر معارف.
۸. داوودی، محمد. (۱۳۸۹ش). تربیت دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. ذبیحی، اکرم (۱۳۹۳). مؤلفه‌های جامعه‌پذیری حجاب؛ مطالعه موردی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر قم. نشریه فرهنگ پژوهش، (۱۷)، ۱۹۵-۱۶۵.
۱۰. صفایی حائری، علی. (۱۳۸۶). تربیت کودک. قم: لیلۃ القدر.
۱۱. صفایی حائری، علی. (۱۳۸۶ش). مسئولیت و سازندگی. قم: لیلۃ القدر.
۱۲. صفایی حائری، علی. (۱۴۰۱ش). حجاب و آزادی روابط. قم: لیلۃ القدر.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. فرهود فر، ملک؛ محمدی، علی. (۱۳۸۷ش). فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی. قم: یاس زهرا.
۱۵. قراباغی، محمدهادی؛ خورسند، صدرالدین. (بی‌تا). انسان‌شناسی تربیتی. بی‌جا: بی‌نا.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. هادیان رسانی، الهه (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دختران. فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، (۲)، ۴۶-۲۹.
۱۸. هادی‌زاده، محمدتقی، (۱۴۰۲ش). فقه تربیت مفهوم تربیت و حیانی. قم: انتشارات اخلاق و تربیت.